این مقاله در ششمین همایش ملی دستاوردهای علمی پژوهشگران، دانش‌آموختگان و دانشجویان فرش ایران پذیرفته شده است.

صفحه ۱۶۹-۱۵۳

نوع مقاله: پژوهشی

بررسی نقش‌مایه‌ی دیو در قالی‌های تصویری* قاجار و مقایسه با نقش‌مایه‌ی دیو در نگاره‌های شاهنامه‌ی عصر صفوی

الهه حقگو
دانشجوی کارشناسی دانشگاه بیرجند
وحیده حسامی (نویسنده‌ی مسئول)
عضو هیئت علمی دانشکده هنر دانشگاه بیرجند
Hesami@ birjand.ac.ir

گلجام
دوفصلنامه علمی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۴۲
پاییز و زمستان ۱۴۰۱

چکیده

فرش دست‌باف از دیرباز تا به امروز جایگاه خود را در ردیف هنرهای ایران حفظ کرده و از ارزش بالایی برخوردار است. هنرمندان ایرانی نقش مهمی در حفظ این هنر ایفا کرده‌اند و با ایجاد خلاقیت در طرح و نقش باعث شده‌اند تا علاوه بر جنبه‌ی زیبایی، مفاهیم متعددی نیز به خود بگیرند که می‌تواند نشأت گرفته از باورها، عقاید و اسطوره‌ها باشد. یکی از طرح‌های مهم که از دوره‌ی قاجاریه متداول شد، طرح‌های تصویری است که نمونه‌های بی‌نظیر آن را می‌توان در فرش‌های هوشنگ شاه و حضرت سلیمان مشاهده کرد. در این پژوهش که به صورت توصیفی- تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و سایت‌های معتبر صورت گرفته، ٤ نمونه از شاهنامه‌ی صفوی و ۱۲ نمونه تخته فرش انتخاب شده تا با تحلیل فرش‌های هوشنگ شاه و حضرت سلیمان به دو پرسش پاسخ دهد که: ۱- نقش دیو از منظر طراحی و رنگ‌بندی در فرش‌های دوره‌ی قاجار چگونه است؟ ۲- چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی میان دیوان در فرش و نگارگری عصر صفوی وجود دارد؟ در بحث طراحی دیوها در فرش‌های تصویری دوره‌ی قاجار به صورت نیمه برهنه، خال‌دار و با جثه‌ی کوچک یا بزرگ به تصویر درآمده‌اند و اغلب به رنگ سفید هستند. با بررسی و مقایسه‌ی دیوان در فرش‌های تصویری با نگاره‌های شاهنامه مشخص شد که از لحاظ پوشش دارای دامنی بوده (بر خلاف نگاره‌های شاهنامه که هم دیو برهنه و هم نیمه برهنه وجود دارد) و اغلب به صورت زاویه‌دار و هندسی ترسیم شده‌اند و به ندرت زیورآلات دیده می‌شود. از لحاظ رنگ‌بندی نیز بیشترین رنگی که هم در فرش و هم در شاهنامه می‌توان مشاهده کرد، رنگ سفید است؛ گرچه تنوع در هر دو گونه (فرش و شاهنامه) دیده می‌شود.

واژه‌های کلیدی: دیو، شاهنامه، فرش‌های تصویری، قاجار، نگارگری

---

* این مقاله مستخرج از پایان‌نامه‌ی مقطع کارشناسی با عنوان بررسی فرم‌های دیوگونه در فرش‌های دوره‌ی قاجار در دانشکده‌ی هنر دانشگاه بیرجند به راهنمایی وحیده حسامی است.

An Examination of Demon-like Forms in Qajar Carpets

Elahe Haghgoo
B.A. Student of Faculty of Carpet, University of Birjand
Vahideh Hesami (Corresponding Author)
Faculty Member, Faculty of Art, University of Birjand
Hesami@ birjand.ac.ir

Abstract
Handwoven carpets have maintained their position among the arts of Iran from ancient times to the present day and possess considerable value. Iranian artists have played a significant role in preserving this art and, through creativity in design and motifs, have enabled carpets to embody numerous concepts in addition to their aesthetic aspect, concepts that may originate from beliefs, convictions, and myths. One of the important designs that became widespread during the Qajar period was pictorial designs, outstanding examples of which can be observed in the Hushang Shah and Prophet Solomon carpets. This research was conducted using a descriptive–analytical approach and by utilizing library sources and reliable websites. Four examples from Safavid Shahnameh manuscripts and twelve carpet panels were selected in order to analyze the Hushang Shah and Prophet Solomon carpets and answer two questions: (1) How is the depiction of demons, from the perspective of design and color composition, represented in Qajar-period carpets? (2) What similarities and differences exist between demons in carpets and those in Safavid-era manuscript paintings? Regarding the design of demons in Qajar pictorial carpets, they are depicted as semi-nude, spotted, unspotted, and with either small or large bodies, and are predominantly white in color. Through the examination and comparison of demons in pictorial carpets with Shahnameh illustrations, it was determined that, in terms of clothing, they wear skirts (in contrast to Shahnameh illustrations, in which both nude and semi-nude demons are present), and they are generally rendered in a more angular and geometric manner, while ornaments are rarely observed. In terms of color composition, the most common color found in both carpets and Shahnameh illustrations is white, although diversity of colors can be observed in both categories (carpets and Shahnameh manuscripts).

Keywords: Demon, Shahnameh, Pictorial Carpets, Qajar Period, Miniature Painting

This article is an excerpt from a bachelor's degree thesis titled (A Study of Demon-Like Forms in Qajar Period Carpets) at the Faculty of Arts, University of Birjand, supervised by Vahida Hessami.

مقدمه

هنر نشان دهنده‌ی فرهنگ و تمدن هر جامعه است و می‌توان قالی‌بافی را یکی از بارزترین نمونه‌های آن معرفی کرد. قالی‌بافی نه تنها جنبه‌های تزئینی دارد، بلکه به‌عنوان سندی زنده از تاریخ و فرهنگ یک منطقه نیز شناخته می‌شود. هر بافنده با دقت و هنر خاص خود، الگوها و نقوش را بر روی قالی‌ها خلق می‌کند که ریشه در اساطیر، داستان‌ها و آیین‌های محلی دارند. در طول تاریخ، قالی‌بافی در دوره‌های مختلف توسعه و تحول یافته اما بدون شک یکی از برجسته‌ترین و تأثیرگذارترین این دوره‌ها، دوره‌ی قاجار بوده است. در این دوره پادشاهان قاجار توجه ویژه‌ای به هنر نشان می‌دادند و به شدت علاقه‌مند به توسعه و ترویج آن بودند (آهنی و دیگران، ۱٤۰۰: ۱۸). این حمایت‌ها منجر به تحولات چشمگیری در هنرهای مختلف از جمله بافت قالی‌های تصویری شد. نقوش این قالی‌ها از مضامین گوناگونی چون شخصیت‌های اساطیری، مشاهیر دینی، مذهبی و اجتماعی الهام گرفته شده بود (آهنی و دیگران، ۱۳۹٤: ٦۷).

یکی از برجسته‌ترین این نقوش، طرح دیو است. دیو در مفاهیم اساطیری ایران و جهان دارای معانی و مفاهیم گسترده‌ای است که در زمان‌ها و دوره‌های مختلف تفاسیر متفاوتی به خود گرفته است. در ایران باستان و قبل از آیین زرتشت، دیوان مقدس بودند و در کنار دیگر ادیان مورد پرستش قرار می‌گرفتند (ایمانی، ۱۳۹۸: ۳۹) و به عنوان موجوداتی با قدرت‌های خارق‌العاده و صفات گوناگون شناخته می‌شدند (همان: ۲۲). به تدریج و به‌ویژه در زمان تجلی آیین مزدیسنا، دیوها دیگر مورد پرستش قرار نگرفته و همچون آفریدگان اهریمن پنداشته شدند. در نتیجه واژه‌ی دیو معنای ایزدی خود را از دست داد و به‌عنوان موجودی خبیث که آفریده‌ی اهریمن است به‌کار رفت و از جایگاه پرستش نزول کرد (همان: ۹). حضور موجود افسانه‌ای دیو در هنر ایران باستان و حتی در دوره‌های بعد باعث شد تا از آن در تصویرسازی فرش‌های دوره‌ی قاجار استفاده کنند. با توجه به شرایط اجتماعی، سیاسی و هنری هر دوره، باعث شده تا نقش دیو دارای تصاویر گوناگون ولی در عین حال یکسان بودن برخی ویژگی‌ها در بافته‌ها شود. این نوآوری‌های تجسمی که در نقش دیو دیده می‌شود، در لذت بصری هم بی‌تأثیر نبوده است.

روش پژوهش

این تحقیق به صورت توصیفی- تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و سایت‌های معتبر صورت گرفته است. جامعه‌ی آماری بر اساس بررسی تعداد یازده نگاره از شاهنامه‌ها و دوازده تخته فرش تصویری از دوره‌ی قاجار بوده و به صورت مقایسه‌ای شباهت‌ها گفته شده و هویت دیوان فرش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پیشینه‌ی پژوهش

شایسته‌فر و صباغ‌پورآرانی (۱۳۹۰) به بررسی عوامل مؤثر در تصویرگری قالی‌های قاجار و همچنین به دسته‌بندی و معرفی براساس مضامین و موضوعات پرداخته‌اند. همچنین وندشعاری (۱۳۸۷) به شرح قالی‌های اسطوره‌ای پرداخته است. کشاورز افشار (۱۳۸۷) تصویربافی دوره‌ی قاجار با تأکید بر نقش و جایگاه تصویر انسان را مورد بررسی و تحلیل قرار داده است.

همچنین رشادی (۱۳۹۰) به شرح چگونگی تحول فرش‌های تصویری پرداخته است که با ورود هنرهای جدید از جمله عکاسی و چاپ سنگی باعث شد تا نقوش فرش‌ها از طرح‌های انتزاعی به سمت طرح‌های تصویری سوق پیدا کند تا آن‌جا که فرش‌های تصویری مشابهت زیادی به تابلوهای نقاشی و تصاویر عکس‌ها پیدا کردند. گرچه پژوهش‌های انجام شده ارزشمند هستند؛ اما در این پژوهش تصویر دیو در فرش‌های دوره‌ی قاجار از منظر طراحی و رنگ‌بندی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اسطوره

اسطوره‌ها براساس آن‌چه که در تاریخ به وقوع پیوسته است به وجود می‌آیند و به هستی خود ادامه می‌دهند و به سختی می‌توان گفت حوادثی که در اسطوره‌ها اتفاق می‌افتد مربوط به چه زمان و مکانی است. در هزاره‌های پیشین مردمان اندیشمندی بوده‌اند که با استفاده از نمادها و نشانه‌ها اسطوره‌ها را به وجود آوردند و تکرار و تداوم آن باعث شد تا مردم آن را باور کرده و در نتیجه باعث شد تا اسطوره‌ها باقی بمانند (آموزگار، ١٣٧٤: ٥).

در طول تاریخ از اسطوره تعاریف گوناگونی ذکر شده است که مهم‌ترین آن تعریف میرچا الیاده (Mircea eliade) اسطوره‌شناس بزرگ آمریکایی است (ایمانی، ١٤:١٣٩٨). اسطوره نقل‌کننده‌ی سرگذشتی قدسی و مینوی است، راوی واقعه‌ای است که در زمان اولین، زمان شگرف بدایت همه چیز، رخ داده است (الیاده به نقل از تمیمی و عزیزیان، ١٤٠٢: ٧٢)..

معانی، صفات و تحول مفهوم دیو

دیو در لغت به معنای موجودی خیالی و افسانه‌ای بوده و دارای هیبتی بزرگ و قوی است. اغلب دارای شاخ و دم بوده و قیافه‌ای زشت دارد (عمید، ١٣٧٥، ٣). در برخی متون از دیو به عنوان شیطان و ابلیس یاد می‌شود اما در شاهنامه‌ی فردوسی دارای معنایی دیگر نیز است. علاوه بر این که دیو نمادی از زیان‌کاری بوده و آفریده‌ی اهریمن است، به‌عنوان انسانی بدکار که فردوسی در شاهنامه‌اش آورده است، نیز شناخته می‌شود (ایمانی، ١٣٩٨: ٧١). (جدول ١)

جدول ١- معانی، صفات و کارهای دیوان در شاهنامه

عوامل	ویژگی ها								
معانی	انسان بدکار			رفتار ابلیسانه			زورمند و دلیر		
صفات	بی‌خردی			بی‌شرمی			آز و نیاز		
وظایف	پیغام‌گیری	تعلیم خط و نوشتن	رامش‌گری	روان ساختن گردونه در آسمان	ساحری و جادوگری	سپاه‌گیری و لشگری	فریب‌کاری و گمراهی	معماری و بنایی	

(ایمانی، ١٣٩٨)

به مرور زمان و با پیدایش آیین مزدیسنا، دیگر دیوها پرستنده‌ای نداشته و از جایگاه خود نزول کردند و در میان مردم به‌عنوان اهریمن شناخته شدند. اما همچنان در سنت هندی به ویژه در وداها، دیوها دارای مقام ایزدی بودند و مردم آن‌ها را پرستش می‌کردند. در نتیجه دیو در اوستا خدای بد و اهریمن نام گرفت و در سنسکریت «دوه» و به معنای خدای خوب نامیده شد. طبق تعریف کریستین سن دیوان را وابسته به آیین مهر و آن‌ها را همچون مهر، ناهید و دیگر فرشتگانی می‌داند که بعدها توسط زردشت طرد شده‌اند (Christensen, 1941: 4- 5).

مرتبه‌ی دیوان

دیوان بر اساس جایگاه خود به سه بخش اصلی سر دیوان، دیوان اصلی و دیوان کوچک طبقه‌بندی می‌شوند. هر کدام از دیوان دارای معانی و ویژگی‌هایی بوده و مسئولیت‌هایی نیز بر عهده دارند.

بررسی انواع نقش دیو بر اساس متون و نگاره‌های شاهنامه‌ها

با مشاهده‌ی تصاویر شاهنامه درمی‌یابیم که هنرمند تصویرساز سعی کرده تا ویژگی‌های باطنی دیوان که شامل پلیدی، نیرنگ، سنگدلی، فریب‌کاری و ستم‌کاری است را با تجلیات بیرونی به تصویر بکشد. برای مثال دندان‌های گوشت‌خوار و بلند، نمادی از خدایان شیوایی و بودایی و دیگر خدایان بوده است که به شکل‌های گوناگون تصویر شده بودند و یا شاخ دیوان که در هنر یونان و روم نشانه‌ای از کفر و بیانگر شاخ شیطان بوده است (هال، ۱۳۸۳: ۵۹).

ارژنگ دیو

ارژنگ، نام کتاب مصور مانی و در زبان پهلوی به معنای سزاوار و شایسته است (تبریزی، ۱۳٦۲) (تبریزی به نقل از واشقانی فراهانی و یزدان‌خواه، ۱۳۹۱: ۱۷). در شاهنامه از ارژنگ به‌عنوان یکی از سالاران سپاه دیو سفید یاد شده است و در نهایت به دست رستم سر از تنش جدا می‌شود (فردوسی، ۱۳۸۹: ۱۸۲ و کرباسیان، ۱۳۸٤: ٤۰). (تصویر ۱)

تصویر ۱- جنگ رستم و ارژنگ دیو، شاهنامه‌ی شاه طهماسب، منسوب به عبدالوهاب، سده‌ی دهم، مکتب تبریز صفوی (حسامی و شیخی، ۱۴۰۰: ۱۱۴)

دیو سپید

دیو سپید در شاهنامه پادشاه مازندران و فرمانده دیوان در زمان کیکاووس بود و به خاطر سفید بودنش به دیو سپید مشهور بود (همان: ۱۸) (واشقانی فراهانی و یزدان‌خواه، ۱۳۹۱: ۱۸) ولی رنگ اصلی آن نه سفید است و نه سیاه بلکه دارای رنگ خاکستری است (تصویر ۲). در زمانی دیو سپید مردی پهلوان بوده و چون بر خداوند خویش کیکاووس عاصی می‌شود از حالت انسانی به شکل و شمایل دیو تنزل پیدا می‌کند. دیو سپید با حیله و سحر، کاووس را نابینا می‌کند و رستم با شنیدن این خبر رهسپار مازندران می‌شود و بعد از گذشتن از هفت خان به غار دیو سپید رسیده و بعد از شکست او جگرگاهش را دریده و نزد کاووس بر می‌گردد و با چکاندن خون او سحر را باطل می‌سازد (یاحقی، ۱۳۸٦: ۳۷٦).

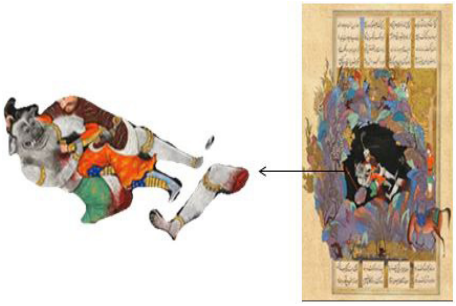

تصویر ۲- نبرد رستم و دیو سپید، شاهنامه‌ی طهماسبی، مکتب تبریز صفوی، ۱۵۲۷ میلادی (حسامی و شیخی، ۱۴۰۰: ۱۱۶)

دیو سیاه (خروزان دیو)

در داستان‌های شاهنامه‌ی فردوسی نخستین دیو، دیو سیاه یا خروزان دیو است (مهدی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۳۹) که به علت رنگ سیاهش به این نام معروف است (تصویر ۳). این دیو در زمان پادشاهی کیومرث که اولین پادشاه جهان است، با فرزند وی یعنی سیامک وارد نبرد می‌شود. سیامک، برهنه تن به جنگ با دیو رفته و در نهایت شکست می‌خورد. پسر سیامک (هوشنگ) برای خون‌خواهی به نبرد با دیو سیاه می‌رود و بر او فائق می‌شود و سپس سر از تن او جدا می‌کند. فردوسی در شاهنامه خروزان دیو را بچه اهریمن معرفی می‌کند (فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۲).

تصویر ۳- کشته شدن دیو سیاه به دست هوشنگ، شاهنامه‌ی شاه طهماسب، منسوب به سلطان محمد، سده‌ی دهم، مکتب تبریز (ایمانی، ۱۳۹۸: ۱۷۶)

پولادوند:

نام او از پولاد+ وند ساخته شده است و به معنای پولادینه و محکم است. او دیوی است با هیبت و بزرگ که افراسیاب بعد از شکست خوردن خاقان چین از رستم، از او می‌خواهد تا به جنگ با رستم برود (رستگار فسایی، ١٣٦٩: ٢٦٤) (تصویر ٤). رستم بعد از شنیدن خبر به سمت پولادوند روانه شده و با او به نبرد می‌پردازد و سپس او را به زمین می‌کوبد و می‌پندارد که او را کشته ولی پولادوند که نمرده بود سوار بر اسب شده و با سپاه خود از افراسیاب دور می‌شود (فردوسی، ۱۳۸۱: ۲۷۸).

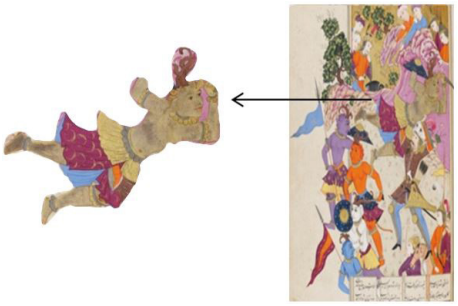

تصویر ۴- کشتی گرفتن پولادوند با رستم، شاهنامه‌ی فردوسی، مکتب اصفهان صفوی، ۱۰۶۴ ه.ق (سلیمی‌پور، ۱۳۹۵: ۱۱۹)

جدول ۲ نگاره‌های دیوان در شاهنامه‌ها را در کنار یکدیگر به تصویر کشیده است.

جدول۲- نگاره‌ی دیوان در شاهنامه‌ها

عناوین دیوها	ارژنگ دیو	دیو سپید	دیو سیاه	دیو پولادوند
دیوهای موجود در نگاره‌های شاهنامه	ارژنگ دیو، شاهنامه‌ی شاه طهماسب، منسوب به عبدالوهاب، سده‌ی دهم، مکتب تبریز (حسامی و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۱۴)	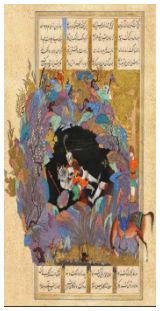 دیو سپید، شاهنامه ی طهماسبی، مکتب تبریز صفوی، ۱۵۲۷ میلادی (حسامی و شیخی، ۱۴۰۰: ۱۱۶)	دیو سیاه، شاهنامه‌ی شاه طهماسب، منسوب به سلطان محمد، سده‌ی دهم، مکتب تبریز (ایمانی، ۱۳۹۸)	دیو پولادوند، شاهنامه‌ی فردوسی، مکتب اصفهان صفوی، ۱۰۶۴ ه.ق، (سلیمی‌پور، ۱۳۹۵: ۱۱۹)

(نگارندگان، ۱۴۰۴)

بررسی نقش دیو در قالی‌های تصویری دوره‌ی قاجار

در این پژوهش ضمن بررسی فرش‌های متنوعی که در کتاب‌ها و منابع معتبر و سایت‌های موزه‌ها مورد بررسی قرار گرفت، دوازده تخته فرش که دارای نقش دیو بود به‌عنوان جامعه ی آماری انتخاب شد. فرش‌هایی که در دوره‌ی قاجار مورد بررسی قرار گرفت از نظر موضوعی شامل فرش‌های تصویری هوشنگ شاه و حضرت سلیمان هستند. فرش‌های هوشنگ شاه یکی از نقش‌های پر تکرار قالی‌های تصویری ایران در این دوره بوده و از او به عنوان یکی از پادشاهان اسطوره‌ای در منابع مختلف یاد می‌شود. در اوستا نام هوشنگ به صورت هئوشینگه و در معنای سازنده‌ی منازل خوب و بخشنده‌ی خانه‌های خوب آمده است (بهار، ۱۳۸۱: ۱۹۰- ۱۸۹).

فرش‌های تصویری حضرت سلیمان نیز غالباً در دوره‌ی قاجار به تصویر کشیده شده‌اند. در نمونه فرش‌های بررسی شده، حضرت سلیمان در میانه و یا بالای فرش بر تخت جلوس کرده و گاهی ملکه‌ی صبا نیز مشاهده می‌شود. در این فرش‌ها شاهد حضور حیوانات (حتی حیوانات افسانه‌ای)، پریان، جنیان و دیوان هستیم (به غیر از یک فرش که نقش رستم نیز آورده شده است). نقش این موجودات، این مفهوم را می‌رساند که حضرت سلیمان بر دیوان، حیوانات و دیگر موجودات فرمانروایی می‌کرده و زبان حیوانات را می‌دانسته است (عباسی شوکت‌آباد، ۱٤۰۰: ۲٤ و ۳۱). توصیف نقش‌مایه های دیو در فرش در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳- توصیف دیوهای موجود در فرش

ردیف	فرش	مشخصات فرش	توصیف نقش‌مایه‌ی دیو در فرش
۱	پشوتنی‌زاده، ۱٤۰۲: ۲٤	فرش هوشنگ شاه، محل بافت: تیمچه‌ی گل بازار وکیل شیراز، تاریخ بافت: ۱۳۱۳	در این فرش دو دیو به حالت نشسته و با دستانی بر سینه در زیر تخت پادشاهی هوشنگ شاه ترسیم شده‌اند. رنگ آن‌ها سفید و با خال‌های سیاه است و همچون انسان ترسیم شده‌اند. این دیوان نیمه برهنه و با دامنی کوتاه به رنگ‌های زرد، نارنجی و سیاه بوده و عاری از زیورآلات هستند. دست‌ها، پاها و بدن به شکل انسان تصویر شده ولی صورت‌ها گرچه حالت انسانی دارند ولی به شکل گربه‌سانان همراه با سیبیل، ابرو، چشمان باریک، گوش‌های دراز همچون گوسفند و شاخ‌های کوتاه ترسیم شده‌اند.
۲	تناولی، ۱۳٦۸: ۱۲۸	فرش هوشنگ شاه، محل بافت: اطراف همدان، تاریخ بافت: قرن ۱۳ هجری	در این فرش نیز همانند فرش قبلی دیوها حالتی نشسته و دستانی بر سینه دارند و در زیر تخت پادشاهی هوشنگ شاه قرار گرفته‌اند. شکل و شمایل دیوها هندسی و زاویه‌دار ترسیم شده است. این دیوان نیمه برهنه، بدون زیورآلات و با دامنی کوتاه به رنگ‌های سیاه، زرد و قرمز بوده و رنگ بدنشان کرم مایل به نارنجی است. این دیوان دست و پای انسانی و صورتشان به مانند گربه‌سانان بوده و شاخ‌های کوتاهی نیز دارند. علاوه بر آن دارای چشمانی گرد، دهان، سیبیل و ابروهایی انسانی بوده که در شکل صورت دیوان ترسیم شده است.
۳	تناولی، ۱۳٦۸: ۱۳۰	فرش هوشنگ شاه با دیپلمات‌های فرنگی، محل بافت: اطراف ملایر، تاریخ: ۱۳۲۰ هجری	در فرش هوشنگ شاه، دو دیو به حالتی نشسته و با دستانی بر سینه در پایین تخت قرار دارند. این دیوان به شکل انسان طراحی شده‌اند و همان طور که در تصویر مشخص است رنگ بدن، دست و صورت سفید (بدن و دست دارای خال‌های سیاه هستند) و پاها قرمز است. از دیگر صفات دیو می‌توان به دامن کوتاه با رنگ‌های آبی و نارنجی (که البته در این جا دامن بسیار کوتاه همچون کمربندی تصویر شده است) و نبود زیورآلات بر روی بدن، دست و پاها اشاره کرد. صورت دیوان همانند صورت انسان دارای دهان، چشمان باریک، ابروها و گوش بوده و مانند دیگر دیوان دارای شاخ‌های کوتاه هستند که به رنگ مشکی است.

ادامه‌ی جدول ۳- توصیف دیوهای موجود در فرش			
٤	تناولی، ۱۳٦۸: ۱۳٤	فرش هوشنگ شاه، محل بافت: همدان، درگزین، تاریخ: اواخر قرن ۱۳ هجری	در این فرش دو دیو با شمایل انسانی و به رنگ بنفش با خال‌های سفید تصویر شده‌اند. هر دو دیو در پایین تخت هوشنگ شاه حالتی نشسته دارند و دستانشان بر روی سینه قرار گرفته است. دیوان نیمه برهنه و دارای دامنی به رنگ‌های سفید، قرمز و نارنجی هستند. علاوه بر آن مانند دیگر دیوان بررسی شده، زیورآلات مشاهده نمی‌شود. صورت دیوها همانند انسان دارای چشمان گرد، ابروهای مشکی به هم پیوسته، دهان و گوش‌های دراز به مانند گوسفند هستند. این دیوان به مانند دیگر دیوان دارای شاخ‌های کوتاه بوده که رنگشان زرد است. از دیگر صفات می‌توان به کوچک بودن جثه آن‌ها اشاره کرد.
٥	تناولی، ۱۳٦۸: ۱٤۰	فرش هوشنگ شاه، محل بافت: اطراف همدان، تاریخ: اوایل قرن ۱٤ هجری	این فرش که منسوب به هوشنگ شاه است، دارای دو دیو بوده که به حالت نشسته و دست به سینه در زیر تخت پادشاه قرار گرفته‌اند. این دیوان نیمه برهنه و به مانند انسان‌ها دارای دست، پا و صورتی انسانی هستند. آن‌ها دامنی کوتاه به رنگ‌های قرمز و کرم داشته و عاری از زیورآلات هستند. به جز صورت که به رنگ سفید است، بقیه بدن به رنگ سبز با خال‌های سفید است. صورت دیوان با چشمان گرد، دهان نیمه انسانی، ابروهای مشکی به هم پیوسته و بدون شاخ ترسیم شده است. در ضمن جثه دیوان در این فرش بزرگ تصویر شده است.
٦	تناولی، ۱۳٦۸: ۱٥۰	فرش هوشنگ شاه، محل بافت: بلوچ، خراسان، تاریخ: اوایل قرن ۱٤ هجری	این فرش بافته شده منتسب به هوشنگ شاه نیز دارای دیوانی است که به حالت نشسته (زانو زده) و دست بر سینه ترسیم شده‌اند. دیوان نیمه برهنه بوده و فقط بر کمر خود پارچه‌ای به رنگ‌های قرمز و نارنجی دارند. رنگ بدنشان نارنجی با خال‌های سیاه بوده و صورت‌ها سفید است. با دقت به تصویر می‌توان دریافت که صورت‌ها کاملاً انسانی بوده و دارای صفاتی مانند چشمان باریک، دهان، سیبیل، ابرو و شاخ‌های کوتاه به رنگ نارنجی هستند. جثه‌ی آن‌ها نیز بزرگ و تنومند تصویر شده است.
۷	تناولی، ۱۳٦۸: ۱۳۲	فرش هوشنگ شاه، محل بافت: اطراف ملایر، تاریخ: قرن ۱۳ هجری	در این فرش شاهد حضور دو دیو سفید با خال‌های سیاه و به حالت نشسته و دست به سینه در زیر تخت پادشاهی هوشنگ شاه هستیم. دیوها شکل و شمایل انسانی داشته و نیمه برهنه بوده و فقط دامنی به رنگ‌های کرم و قرمز بر تن دارند. صورت‌ها با چشمانی درشت، دهان و ابروهایی به هم پیوسته و با شاخ‌های کوتاه ترسیم شده است. علاوه بر آن جثه‌ی دیوان بزرگ و قوی تصویر شده است.

۸	 تناولی، ۱۳۶۸: ۱۴۸	فرش هوشنگ شاه، محل بافت: اطراف ملایر قشقایی، تاریخ: اواخر قرن ۱۳ هجری	در این فرش دیوانی به رنگ سپید با خال‌های سیاه، نیمه برهنه و با دامنی کوتاه به رنگ‌های قرمز و نارنجی در زیر تخت پادشاهی هوشنگ شاه با حالتی نشسته (زانو زده) و دست به سینه به تصویر درآمده‌اند. از دیگر صفات آن‌ها می‌توان به هیکل بزرگ و قوی و پاها و دست‌های شبه انسانی آن‌ها اشاره کرد. صورت‌ها نیز شبه انسانی و با صفاتی همچون چشمان گرد، دهانی به مانند پوزه و گوش‌هایی شبیه حیوانات تصویر شده‌اند.
۹	 تناولی، ۱۳۶۸: ۱۳۸	فرش هوشنگ شاه، محل بافت: اطراف ملایر، تاریخ: ۱۳۰۱ هجری	در فرش هوشنگ شاه دو دیو که نیمه برهنه (تنها پوشش دامن است) و به حالت دو زانو در زیر تخت هوشنگ شاه قرار گرفته‌اند را نشان می‌دهد. رنگ بدنشان از ترکیب سه رنگ سفید، آبی و سورمه‌ای بوده و بدنشان دارای خال‌های قرمز است. دیوان به صورت هندسی و زاویه‌دار ترسیم شده‌اند و حالت دستشان به مانند گربه‌سانان است. در صورت نیز شاهد شاخ و گوش‌های کوچک به ترتیب به رنگ‌های مشکی و نارنجی هستیم. ابروها به به رنگ مشکی و دارای زائده‌هایی است. همچنین چشم‌ها لوزی شکل و دهان مثلثی و به رنگ قرمز است.
۱۰	 پشوتنی‌زاده، ۱۴۰۲: ۲۵	فرش سلیمان، محل بافت: تهران، تاریخ: قرن ۱۳ شمسی	در این فرش دیوان به صورت ایستاده و با رنگ‌های مختلف همچون سفید و صورتی به نمایش در آمده‌اند. دو دیو در پایین تخت سلیمان دست به سینه و یک دیو در کناره‌ی تخت با حالتی متفاوت از دست قرار گرفته‌اند. هر سه دیو نیمه برهنه بل خال‌های مشکی بوده و دامن قرمز بر تن دارند.
۱۱	 پشوتنی‌زاده، ۱۴۰۲: ۲۵	فرش سلیمان، محل بافت: کاشان، تاریخ: قرن ۱۳ شمسی	در این فرش دیوان در فضای موجود پراکنده هستند. دو دیو در زیر تخت سلیمان با لباس و کفش به تصویر در آمده‌اند. رنگ بدنشان کرم بوده و قدرتمند هستند. این دیوان دارای دو شاخ کوچک بوده و چشم، ابرو، بینی، دهان و گوش‌هایشان شبیه انسان است. همچنین گوشواره‌ای به رنگ قرمز بر گوش‌های خود دارند. یک دیو قهوه‌ای رنگ نیز در سمت چپ در آسمان قرار دارد. این دیو نیمه برهنه بوده و دامنی قرمز رنگ با خال‌های سیاه دارد. شکل و شمایل دیو شبه انسانی بوده و دارای صفاتی همچون شاخ‌های کوتاه، چشمان زرد رنگ، بینی، دهان و گوش‌های حیوانی است. همچنین دارای زیورآلاتی از طلا در دست‌ها مشاهده می‌شود. سه دیو دیگر به رنگ سفید در این فرش حضور دارند که رنگ پاهای یک دیو خاکستری است. هر سه دیو نیمه برهنه بوده و شلوار به رنگ سیاه یا دامنی به رنگ قرمز و آبی بر تن دارند. آن‌ها دارای شاخ‌های کوتاه و بلند به رنگ مشکی بوده و صورت‌ها به مانند حیوانات است.

ادامه‌ی جدول ۳- توصیف دیوهای موجود در فرش			
			بعضی دیوان با جثه‌ی بزرگ و تنومندتر و بعضی دیگر با جثه‌ی کوچک‌تر تصویر شده‌اند. در دست یکی از دیوان نیزه و در دست دیو دیگر دسته‌ای چوبی بوده که سنگی بر روی آن قرار دارد. یکی از دیوان نیز دارای گردنبندی به رنگ قرمز است.
۱۲	(URL:10)	قالی محتشم کاشان، قرن ۱۸ میلادی	در این فرش یک دیو سفید با خال‌های قرمز به نمایش درآمده است. این دیو نیمه برهنه و با دامنی کوتاه به رنگ‌های مختلف به تصویر درآمده است. از صفات دیو می‌توان به شاخ‌های به هم وصل شده، گوش‌های حیوانی و ناخن‌هایی شبیه به پرندگان (در قسمت پاشنه پا نیز ناخن وجود دارد) اشاره کرد. چشم‌ها، ابروها، بینی و سیبیل شبه انسانی تصویر شده‌اند. بر گردن دیو نیز گردنبندی از طلا و به شکل مثلث وجود دارد. حالت دیو به شکل دست به سینه تصور شده و هیکل او با جزئیات به تصویر درآمده است.

(نگارندگان ، ۱۴۰۴)

مقایسه‌ی دیوان فرش و نگاره‌های شاهنامه

از آن‌جا که فرش دارای قدمتی به وسعت تار و پود تاریخ ایران دارد، بررسی طرح و نقش آن نیز باعث شناخت فرهنگ، نماد و اسطوره‌ها می‌شود. نقش دیو یکی از آن طرح‌ها بوده که در دوره‌ی قاجار می‌توان در فرش‌های تصویری هوشنگ شاه و حضرت سلیمان مشاهده کرد که علاوه بر جنبه‌ی زیبایی دارای مفاهیمی نیز هستند. همچنین با بررسی بیشتر می‌توان به شباهت آن‌ها به دیوهای شاهنامه نیز پی برد. بر همین اساس در این پژوهش سعی شده تا با رویکردی مقایسه‌ای، شباهت میان دیوهای فرش با شاهنامه مورد بررسی قرار گیرد تا بتوان درک روشن‌تری از هویت دیوان در فرش را کسب نمود.

براساس یک‌سری ویژگی‌های شاخص، دیوان فرش را می‌توان به‌عنوان دیو سپید معرفی کرد. در نگاه اول رنگ سفید در هر دو گونه (دیوان در فرش و شاهنامه) به‌طور کامل دیده می‌شود و بعضی‌ها خال‌دار به رنگ سیاه (به غیر از یک مورد که قرمز است) و بعضی دیگر بدون خال هستند. آن‌ها به صورت نیمه برهنه و با دامنی از ترکیب رنگ‌های مختلف دیده می‌شوند. شاخ، از دیگر مؤلفه‌های مهم برای تشخیص بوده، همان طور که مشخص است در اغلب موارد شاخ‌ها کوتاه و یا به هم متصل هستند که در انتها به زنگوله مانندی ختم می‌شوند. از موارد دیگر می‌توان به شکل و شمایل آن‌ها اشاره کرد. نوع دست و اغلب پاها به صورت نیمه انسانی بوده و اگر در صورت به چشم‌ها، ابرو، دهان و بینی دقت کنیم، مشابهت‌هایی در دیوان شاهنامه با دیوان در فرش را می‌توان یافت. اغلب چشم‌ها گرد و یا بادامی شکل هستند. در بعضی دیوان ابرو وجود داشته که به رنگ مشکی و دهان نیز در بعضی موارد به شکل خندان ترسیم شده است. هیکل‌ها به شکلی تنومند و با جزئیات ترسیم شده، به صورتی که می‌توان به‌طور کامل حالت دست و بازوان، ران و شکل پاها و شکم را از هم تمایز داد. قد دیوان نیز به طور معمول یکسان ترسیم شده و گاهی بعضی دیوان لاغر و بعضی دیگر چاق هستند. (جدول ٤)

جدول ۴- مقایسه‌ی دیوان سفید در فرش با دیوان سپید در نگاره‌های شاهنامه

نمونه‌های موجود در فرش		نمونه‌های موجود در شاهنامه	
بدون خال	خال‌دار	خال‌دار	بدون خال

(نگارندگان، ۱۴۰۴)

یکی از مهم‌ترین دلایلی که می‌توان دیوان فرش را به‌عنوان اکوان دیو معرفی و نام گذاری کرد، رنگ بدن و خال‌دار بودن آن‌ها است. همچنین رنگ صورت یکی از دیوان به رنگ سفید و مشابه دیو شاهنامه است. به هر حال طراح فرش سعی داشته تا با الهام از نگاره‌های شاهنامه بتواند آن‌ها را به بهترین شکل در بافت فرش ایجاد کند (جدول ۵).

هنرمند فرش با الهام از دیوان شاهنامه سعی داشته تا طرحی مشابه آن‌ها را در تار و پود فرش ایجاد کند. در نگاه اول رنگ آبی بدن را می‌توان هم در دیوان فرش و هم ارژنگ دیو و سایر دیوان مشاهده کرد. حالت دستان دیوان فرش مشابه ارژنگ دیو و دیو دیگر (که حالت دست‌ها مشخص است) است (جدول ٦). از نظر شاخ، شبیه به ارژنگ دیو بوده که کوتاه و مشکی است. همچنین از منظر قد و جثه، مشابه ارژنگ دیو و دیگر دیوان شاهنامه هستند.

جدول ۵- مقایسه‌ی دیوان در فرش با اکوان دیو در شاهنامه

نمونه‌های موجود در فرش	نمونه‌های موجود در شاهنامه

(نگارندگان، ۱۴۰۴)

جدول ۶- مقایسه‌ی دیوان فرش با ارژنگ دیو در شاهنامه

نمونه‌ی موجود در فرش	**نمونه‌های موجود در شاهنامه**

(نگارندگان، ۱۴۰۴)

اولین مؤلفه ی یکسان بین دیوان موجود در فرش و نگاره، رنگ بدنشان است که کرم مایل به نارنجی است. مورد بعدی نوع شاخ‌ها است که کوتاه بوده و حالتی هلالی شکل دارند. چشم‌ها نیز گرد و بینی نسبتاً مشابهی دارند. از نظر جثه تقریباً هم اندازه هستند و هم در فرش و هم در شاهنامه، هنرمند به خوبی توانسته آن‌ها را ترسیم کرده و به نمایش بگذارد (جدول ۷).

جدول ۷- مقایسه دیوان فرش با دیوان نامشخص شاهنامه

نمونه‌ی موجود در فرش	**نمونه ی موجود در شاهنامه**

(نگارندگان، ۱۴۰۴)

در نگاهی ظاهری می‌توان شاهد رنگ سبز بدن دیوان بود که دارای خال‌های سفید نیز هستند. از منظر قد می‌توان گفت که مشابه دیوان شاهنامه هستند. مورد مشابه دیگر نوع چشم‌ها است که گرد هستند (جدول ۸).

جدول ۸- مقایسه‌ی دیوان فرش با دیوان نامشخص شاهنامه

نمونه‌ی موجود در فرش	نمونه‌ی موجود در شاهنامه

(نگارندگان، ۱٤۰٤)

مقایسه ی رنگ دیوان در فرش و شاهنامه

همان‌گونه که در نمودارهای ۱ و ۲ دیده می‌شود، از لحاظ رنگ‌بندی، رنگ سفید هم در فرش و هم در شاهنامه از بیشترین تعداد برخوردار بوده و بیشترین تنوع رنگی را می‌توان در شاهنامه مشاهده کرد.

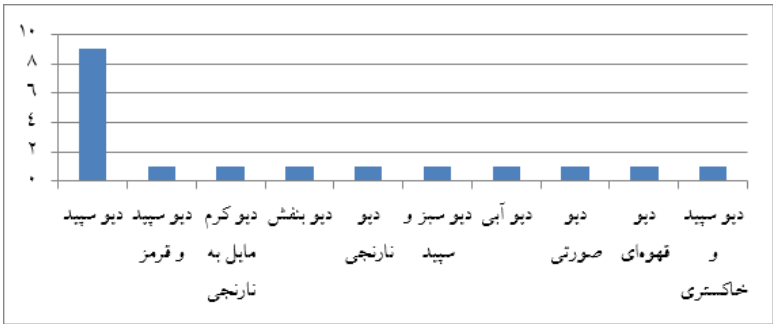

نمودار ۱- رنگ دیوان در فرش (نگارندگان ، ۱۴۰۴)

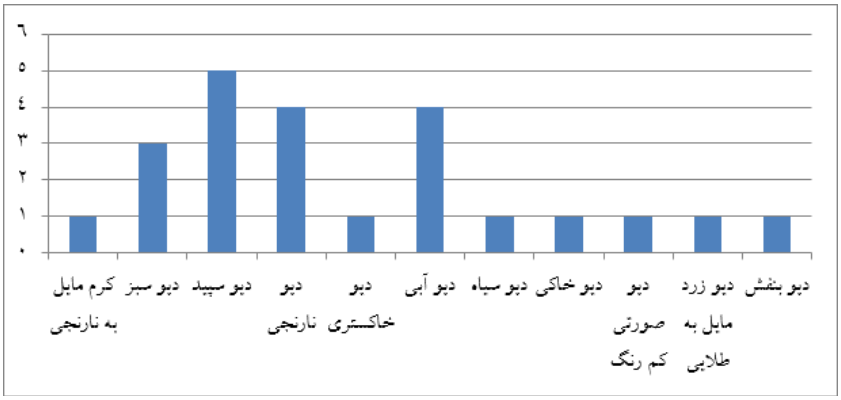

نمودار ۲- رنگ دیوان در شاهنامه (نگارندگان ، ۱۴۰۴)

تجزیه و تحلیل

با توجه به بررسی‌های انجام شده، دیوان در فرش را می‌توان بر اساس رنگ، ظاهر و کارکرد آن‌ها مورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار داد. بیشتر دیوها در فرش‌های ارزیابی شده دارای رنگ سفید بوده که مشابه دیوهای سپید در شاهنامه هستند. گرچه نمی‌توان از نظر مضمونی آن‌ها را دیو سپید بنامیم (چون در صحنه‌ی شاهنامه نبوده و در داستان هوشنگ شاه هستند) ولی بر اساس ظاهر و رنگ مشابه دیوهای شاهنامه هستند. به غیر از دیو سپید، دیو سیاه، ارژنگ دیو و... دیوهای دیگری نیز وجود دارند که گرچه مشابه دیوهای شاهنامه هستند ولی از لحاظ عنوان، مجهول و ناشناخته هشتند.

از لحاظ طراحی به نظر می‌رسد که طراح فرش برای بازسازی تصاویر دیوهای خود از نگاره‌های شاهنامه الهام گرفته، چه بسا بسیاری از دیوها با همان رنگ‌های دیوهای شاهنامه تطبیق می‌کنند ولی در مواردی طراح سلیقه‌ی شخصی خود را وارد کرده و فرم دیوها را نیز تغییر داده است. در هر حال از نظر مضمونی نمی‌توان به‌طور دقیق اثبات کرد که دیوهای فرش همان دیوهای شاهنامه باشند ولی از لحاظ ظاهر و رنگ می‌توان این احتمال را داد. به لحاظ کارکرد نیز می‌توان گفت که دیوهای فرش در زیر تخت پادشاه حضور داشته و حمل‌کننده‌ی تخت هستند. اما در فرش‌های حضرت سلیمان علاوه بر حمل‌کننده‌ی تخت، به‌عنوان محافظ و نگهبان نیز حضور دارند.

نتیجه‌گیری

دیو یکی از موجودات اساطیری است که در بین باورها و آیین مردم رسوخ کرده و با توجه به زمان، معانی و مفاهیم متفاوتی به خود گرفته است. در متون کهن و ادبیات حماسی، دیو به‌عنوان موجودی بی‌خرد یاد شده که به دلیل انجام رفتارهای ابلیسانه به‌عنوان نمادی از شر شناخته می‌شود و همیشه در تقابل با قهرمانان و پهلوانان قرار می‌گیرد و سعی دارد تا با حیله و فریب دشمنان خود را نابود کند که در نتیجه به شکست دیو و پیروزی پهلوانان ختم می‌شود. از سوی دیگر نقش دیو نه تنها در ادبیات و شاهنامه بلکه در هنرهای دیگری از جمله فرش نیز بازتاب یافته است. هنرمند با استفاده از مهارت و ذوق هنری خود به بهترین شکل ممکن ساختار فرش را طراحی کرده و آن را به نمایش گذاشته است. هدف از نشان دادن این گونه مضامین این پیام را می‌رساند که

نیروی اهریمنی همیشه در تقابل با اهورامزدا بوده و پهلوانان و پادشاهان نامدار با غلبه کردن بر آن‌ها، آنان را شکست داده و یا با اسیر کردن تحت سلطه خود قرار می‌دادند.

در پاسخ به پرسش مطرح شده می‌توان گفت که تمام دیوان در فرش‌های هوشنگ شاهی حالتی نشسته (دو زانو) و دست به سینه داشته و نگاهشان رو به جلو است. بسته به طرح فرش دیوان با جثه‌ی کوچک یا بزرگ به نمایش درآمده‌اند. بعضی دیوان حالاتی هندسی و زاویه‌دار و بقیه از این ویژگی به دور هستند. در رنگ‌بندی نیز شاهد انواع رنگ بوده که بیش‌ترین رنگی که به چشم می‌خورد، رنگ سفید است. همچنین تمام دیوان به صورت نیمه برهنه و خال‌دارای به نمایش درآمده‌اند. در فرش‌های سلیمان برخلاف فرش‌های هوشنگ شاهی، دیوان به‌طور ایستاده طراحی شده و زاویه‌دار و هندسی نیستند. به غیر از یک مورد تمام آن‌ها نیمه برهنه و علاوه بر زیورآلات دارای ادوات جنگی نیز هستند. از منظر رنگ‌بندی می‌توان گفت که تنوع رنگی وجود داشته و برخلاف فرش‌های هوشنگ شاه، هم دیو خال‌دار و هم بدون خال مشاهده می‌شود.

در نگاره‌های شاهنامه بر خلاف فرش‌ها، هنرمند با دست بازتری توانسته نقوش دیوها را به تصویر بکشد و حالت‌های ترس، اضطراب و نگرانی را در عمق چهره‌ی آن‌ها نشان دهد. این طراحی‌های بی‌نظیر نه تنها در ترسیم بدنی دیوان بلکه در طراحی زیورآلات و ادوات جنگی نیز کاملاً مشهود است. هنرمند با دقت و ظرافت تمام توانسته در بهترین حالت ممکن به جزئیات بپردازد و در کنار رنگ‌بندی بی‌نظیر و متنوع، جذابیت بیشتری در دید بصری ایجاد کند.

فهرست منابع

- ایمانی، زهره. (۱٤۰۰). *بررسی مفهوم، انواع و جایگاه دیو در نگاره‌های ایرانی (شاهنامه بایسنقری، طهماسبی، جوکی و رشیدا). (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد)*. مؤسسه آموزش عالی ناصرخسروی، ایران.
- آهنی، لاله، محمد خزایی و ابوالفضل عبداللهی‌فرد. (۱٤۰۰). تحلیل نشانه‌های قدرت در قالی‌های تصویری دوره‌ی قاجار. *دوفصلنامه‌ی علمی- پژوهشی هنر*، ۱۱ (۲۱) :۲۷-۱۷.
- آهنی، لاله، علی وندشعاری و آزاده یعقوب‌زاده. (۱۳۹٤). بررسی ادبیات غنایی در فرش‌های تصویری قاجار: مطالعه‌ی موردی داستان‌های بهرام گور. *جلوه‌ی هنر*، ۱٤، ٦٥-۷۸.
- بابائی فلاح، هادی، مهدی مهدی‌زاده و محمد خزایی. (۱۳۹۸). فرهنگ بصری ترسیم شیاطین در نگارگری ایران. *فصلنامه‌ی علمی مطالعات فرهنگ- ارتباطات*، ۲۰(٤٦)، ۲۲٥-۲٥٤.
- بهار، مهرداد. (۱۳۸۱). پژوهشی در *اساطیر ایران* (چاپ چهارم). تهران: انتشارات آگه.
- پشوتنی‌زاده، آزاده. (۱٤۰۲). نمادهای پیشااسلامی در فرش‌های تصویری ایران از پادشاهان. پیکره، ۱۲(۳٤)، ۱۹-۳٦.
- تبریزی، محمدبن خلف. (۱۳٦۲). *برهان قاطع* (تصحیح محمد معین). تهران: امیرکبیر.
- تناولی، پرویز. (۱۳٦۸). *قالیچه‌های تصویری ایران*. تهران: انتشارات سروش.
- حسامی، حمیدرضا و علیرضا شیخی. (۱٤۰۱). سیر تحول دیونگاری در نگارگری ایرانی با تأکید بر شاهنامه‌نگاری از دوره‌ی ایلخانی تا پایان دوره‌ی قاجار. نگره، ۱۷ (٦٤)، ۱۰٥-۱۲٥.
- رستگار فسایی، منصور. (۱۳٦۹). *فرهنگ نام‌های شاهنامه*. تهران: مطالعات و تحقیقات فرهنگی سروش.
- رشادی، حجت‌اله. (۱۳۹۰). سیر *تحول تصویربافی در فرش ایران از دیرباز تا امروز (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد)*. دانشگاه شاهد، ایران.

- سلیمی‌پور، بنفشه. (۱۳۹۵). *بررسی سیر تحول نقش دیو در فرهنگ ایران باستان و هنر نگارگری ایرانی. (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد)*. دانشگاه سیستان و بلوچستان، ایران.
- شایسته‌فر، مهناز و طیبه صباغ‌پور. (۱۳۹۰). بررسی قالی‌های تصویری دوره‌ی قاجار (موجود در موزه‌ی فرش ایران). *فصلنامه علمی- پژوهشی باغ نظر*، ۸ (۱۸)، ٦۳-۷٤.
- عباسی شوکت‌آباد، امیرحسین. (۱٤۰۰). بررسی تطبیقی مؤلفه‌های مذهبی حاکم بر فرش‌های دوره‌ی قاجار و پهلوی. *فصلنامه‌ی هنرهای صناعی اسلامی*. ۵ (۱)، ۳۱ -۲٤.
- عمید، حسن. (۱۳۷۵). فرهنگ عمید. تهران: امیرکبیر.
- تمیمی غلامرضا و فریبا عزیزیان. (۱٤۰۲). قربانی کردن سرخه پسر افراسیاب شاه توران به خونخواهی سیاوش پسر کیکاووس پادشاه ایران به فرمان رستم دستان. *دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی*، ٦(٦۱)، ۷۰-۸۷.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۱). *شاهنامه‌ی فردوسی* (براساس چاپ مسکو). تهران: افکار.
- فردوسی، ابولقاسم. (۱۳۸۷). *شاهنامه* (بر اساس چاپ مسکو- باکو). تهران: هرمس.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۹). *شاهنامه* (براساس چاپ مسکو). قم: نسیم حیات.
- کرباسیان، ملیحه. (۱۳۸٤). فرهنگ *الفبایی- موضوعی اساطیر ایران*. تهران: اختران.
- کشاورز افشار، مهدی. (۱۳۸۷). *بررسی قالیچه‌های تصویری قرون ۱۳ و ۱٤ ه.ق ایران با موضوع تصویر انسان موجود در موزه‌ی فرش ایران (پایان‌نامه‌ی کارشناسی)*. دانشگاه هنر تهران، ایران.
- واشقانی فراهانی، ابراهیم و نسیم یزدان‌خواه. (۱۳۹۱). توصیف نمودهای اهریمنی در نگاره‌های شاهنامه‌ی طهماسبی. *فصلنامه‌ی علمی عرفانیات در ادب فارسی*، ۳ (۱۱). ۱۱-۳٦.
- وند شعاری، علی. (۱۳۸۷). اسطوره‌ی هوشنگ شاه در قالی‌های تصویری دوره‌ی قاجاریه. *فصلنامه‌ی علمی- پژوهشی گلجام*، ۱۰، ۸۷-۱۰۰.
- هال، جیمز. (۱۳۸۳). فرهنگ *نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب* (ترجمه‌ی رقیه بهزادی). (چاپ دوم)، تهران: فرهنگ معاصر.
- یاحقی، محمد جعفر. (۱۳۸٦). فرهنگ *اساطیر و داستان واره‌ها در ادبیات حماسی* (چاپ اول). تهران: فرهنگ معاصر.

- Christensen, A. (1941). *Essai sur la Demonologie Iranienne. Kobenhavn: Ejnar Munksgaard.*

URL1:https://www.christies.com.cn/en/lot/a-pictorial-mohtasham-kashan-rug-central-persia-6067103/?intObjectID=6067103&lid=4

accessd: 2025/9/6, 10:05 Am